

دکتر رضا منصوری

وین - اطریش

رهبانیت سیسترسین ها

البته باید در نظر داشت که انواع نقاشی ها و مجسمه ها نقش مهمی را در تربیت مذهبی داشته اند . زیرا با در نظر گرفتن بی سوادی مردم لازم بوده است که از طریق تصویر و نقاشی و سنگبری های مختلف داستانهای مذهبی تورات و انجیل را به توده های مردم آموخت . و به همین دلیل است که پاپ گرگور کبیر (متوفی سال ۶۰۴) دستور میدهد « آنهائی که سواد ندارند ، بایستی که حد اقل قادر باشند توسط تماشای دیوارها و ستون ها آنچه را که در کتابها آمده است بیاموزند » . بهر صورت با در نظر گرفتن اینکه اروپائیان قرون وسطی با توسط مفاهیم تجربیدی فکر نمی کردند بلکه حقایق را در نمادها و سمبل های پر معنی دریافتند ، میتوان درك کرد که چطور این رفورم سیسترسین ها دوامی طولانی نیاورد و آنها نیز شروع بساختمانهای پرشکوه کرده و به تغییر بناها و تجهیزات داخل کلیساهایشان پرداختند . البته این تغییر سبک بیکباره و بی مخالفت انجام نیافت در سال ۱۲۹۸ پدران دیرها از هواداران رسوم جدید تمنی و درخواست میکنند که خود آگاه باشند و فراموش نکنند که « طریقه ای ما در کمال سادگی و پاکیزگی بنا گذاشته شده است و آنها نیز باید باین ایده آل ها نظر داشته باشند » .

اخطارهایی از این قبیل زیاد بوده است اما تمام آنها در مقابل جو غالب زمان بی اثر ماند . حتی در قرن چهاردهم (در سالهای ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱) تذکراتی

بر این مبنا از جانب مجمع عمومی این طریقه داده شد ولی این بینش «محافظة کارانه» دیگر شکست خورده بود. همین است که امروزه فرقی بین تجهیزات داخل کلیساهای دیرهای سیستمین با طریقه‌های دیگر در تجملات نیست. و اینجاست که تأثیر و کنش توده بر مذهب بخوبی نمایان میشود و اینکه سادگی و تفکر دو مفاهیم انتزاعی را در غرب آن زمان محل و مکانی نبوده است، در صوتیکه می‌بینیم در کشورهای اسلامی این بینش به چه طرز و چه مدتی طولانی خود را حفظ کرده است. اصولاً دنیای سمبل‌ها و تعبیر آنها در مسیحیت غرب نقش مهمی را بازی کرده است که اغلب آنها از دوران بت پرستی و قبل از مسیح به عاریت گرفته شده‌اند:

قابل تذکر در این مورد يك تابلوی نقاشی آلبرشت دورر (۴۸) نقاش معروف آلمانی بنام «عشاء ربانی پریان ۴۹») میباشد که محلو از نمادهای مختلف است که در واقع تخیلات گوناگون راهبان را هنگام جماعت نشان میدهد:

قبل از اینکه به چگونگی کیفی و کمی دیرها و راهبان آن بپردازم، ذکر چند کلمه‌ای از کار معنوی راهبان بی‌محل نیست. راهبان با استنساخ کتب علمی در واقع کمکی زیاد به احیاء علوم قدیمه و فرهنگ در اروپا کرده‌اند، گرچه کار اصلی آنها استنساخ کتب مذهبی بوده است. دیرها از همان اوائل تأسیس محل مخصوصی برای نگهداری کتب با اسم *Armarium* داشتند که نقش کتابخانه را نداشته است بلکه فقط بعنوان مخزن کتب بوده است. علاوه بر آن محلی برای استنساخ کتب بنام *Scriptorium* (استنساخ خانه) وجود داشته است. بمرور زمان دیگر این آرماریوم‌ها و استنساخ خانه‌ها کفاف کتب

(۴۸) Albrecht Durer (۱۴۷۱ - ۱۵۲۸)

(۴۹) Die Engelsmesse

لازمه‌ی تحصیلی راهبان را نمیدهد و این باعث میشود که مجمع عمومی سیسترین ها در قرن پانزدهم به دیرها سفارش کند که کتابخانه درست کنند و در نگهداری آنها بکوشند زیرا که «کتابخانه و کتاب گنج های حقیقی راهبان اند» :

دیرهای ثروتمند در پیرو این دستور کتابخانه های بزرگ و مجللی درست میکنند که در دوره ی باروک تجملات و شکوه آنها به حد کمال میرسد بطوریکه کتابخانه ها دیگر جنبه ی مطالعه نداشته بلکه مکانی برای هترنمائی بوده است . تعداد کتب این کتابخانه ها نیز قابل ذکر است . برای نمونه آماری از تعداد چند کتابخانه ی معتبر دیرهای سیسترین در قرن پانزدهم را می آوریم :

سیتو	در سال	۱۴۸۰	تعداد	۱۲۰۰	جلد
کلروو	«	۱۴۷۲	«	۱۷۸۸	جلد
تسولل	«	۱۴۵۱	«	۵۰۰	جلد

در همین دوران کتابخانه های دنیوی معروف تعداد کتبشان بقرار زیر بوده است :

مجموعه ی معروف Medici در فلورانس	در سال	۱۴۷۰	تعداد	۸۰۰	جلد
کتابخانه ی دانشگاه هایدلبرگ	«	۱۴۶۱	«	۱۶۰۰	جلد

وضع کمی و کیفی دیرها و راهبان آن نیز دوران پرتلاطمی را در پشت سر گذاشته است . از قرن دهم که دوران جدیدی در زندگی راهبگی شروع شد در مدتی کمتر از ۳۰۰ سال هزاران دیر متعلق به طریقه های مختلف که اکثراً از ناحیه بورگوند فرانسه شروع به نشوکرده اند ، بنا شد .

همانطوریکه قبلاً ذکر شد این دوران مصادف است با جنگهای صلیبی و تحقیقاتی در مورد چگونگی اندرکنش این پیشرفت داخلی و آشنائی با تمدن

پیشرفته‌ی دشمن خارجی مسلماً با ارزش خواهد بود: ضمناً راهبان سیسترسین نقش مهمی را در جنگهای صلیبی داشته‌اند. مثلاً برنارد مقدس موعظه‌ی جنگ صلیبی را برای لودویک هفتم خواند و صلیب را برنارد بدست وی داد. و هم‌اوست که توانست کنراد سوم پادشاه آلمان را که مصمم به جنگ نبود با سخنان آتشینش راهی جنگ نماید. بهر حال قرن یازدهم و دوازدهم دوران بنای اکثر دیرهای اروپا می‌باشد، گرچه اولین دیرها و اصولاً رهبانیت اروپا از قرن چهارم و پنجم شروع شد. در قرن سیزدهم دلائل اقتصادی مختلف باعث فقیر شدن صومعه‌ها و از بین رفتن انضباط راهبان شد. در قرن چهارم پاپ بنه‌دیکت دوازدهم رفورم جدیدی را شروع کرد که بعلمت جنگهای صد ساله (۱۴۵۲ - ۱۳۳۷) و همچنین طاعون سیاه (۵۷ - ۱۳۴۸) نتوانست پا برجا شود. در این دوره بسیاری از صومعه‌ها از بین رفتند.

(ناتمام)

(۵۰) Hussitenkriege علوم انسانی

این بنا را ببین که چگونه سر با آسمان کشیده است! صاحبش
قرنی است که ترك آن گفته و از این دنیا رفته ولی از او تصویری
در این بنا باقی مانده است که با هزارها حسرت و آرزو بتماشا
کنندگان نگاه میکند. (اورا صدا بزیم)